

تاریخ آغازین

درس
سوم

جهانی سرشار از خشونت



THIRD MILLENNIUM
MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2019 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel[®]. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: تاریخ اولیه جهان (درس شماره ۳: جهانی سرشار از خشونت)

مدرس: ریچارد پرت

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مزده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدسی) گرفته شده است.

فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) ساختار ادبی

خشونت و امید اولیه

روایات

شجره‌نامه‌ها

خشونت و امید متأخر

پسران خدا

مردان تنومند

خاتمه

(۳) معنای اصلی

روابط

خشونت و امید اولیه

خشونت و امید متأخر

اشارات ضمنی

(۴) کاربرد امروزی

تاسیس

خشونت

رهایی

تداوم

تداوم خشونت

تداوم ایمان

تکمیل

پایان خشونت

رهایی نهایی

(۵) نتیجه‌گیری

جهانی سرشار از خشونت

مقدمه

آیا تابه‌حال توجه کرده‌اید که بچه‌های کوچک چقدر فارغ از ترس خود را در شرایط خطرناک می‌اندازند؟ با بی‌خیالی تمام به وسط خیابان می‌روند. چاقوی تیز را بی‌دغدغه بر می‌دارند. و گاهی حتی با کمال بی‌توجهی به آسیبی که ممکن است از دیگران ببینند، به سمت غریبه‌ها می‌روند، دست‌شان را می‌گیرند، و شروع به قدم زدن با آنها می‌کنند.

اما بزرگسالان می‌دانند که جهان سرشار از انواع مشکلات است. بلایای طبیعی، جان و مال افراد را نابود می‌کنند. بیماری‌ها رنج به بار می‌آورند. ماشین‌آلات ممکن است به ما آسیب برسانند. و می‌دانیم که احتمالاً بزرگترین خطرات، از جانب افراد متوجه ما هستند. مردان و زنان مرتکب رفتارهای خشونت‌آمیز از جمله تعرض، قتل، و جنگ علیه دیگر انسان‌ها می‌شوند. اگر از تاریخ بشر آگاه باشیم، یا تنها به وقایع جاری توجه نشان دهیم، غیر ممکن است بتوانیم انکار کنیم که انسان‌ها این جهان را از خشونت پر کرده‌اند.

نام این درس را «جهانی سرشار از خشونت» گذاشته‌ایم و با نگاهی به پیدایش ۴: ۱-۶: ۸ خواهیم دید که موسی به توصیف مشکلات و خشونت‌هایی که درست بعد از سقوط بشریت در گناه، در جهان رخ داد، پرداخته است. موسی در این باب‌ها توضیح داده که چگونه افراد بشر شروع به پر کردن جهان از خشونت کردند، و چگونه خدا نسبت به این مشکلات واکنش نشان داد. ما سه جنبه این بخش از پیدایش را بررسی خواهیم کرد: اول، نگاهی به ساختار ادبی این متن می‌اندازیم. دوم، به معنای اصلی باب‌های مورد نظر توجه خواهیم کرد. و سوم، به تعلیم عهد جدید درباره نحوه کاربرد این متون در زمانه خودمان می‌پردازیم. بیایید ابتدا به ساختار ادبی پیدایش ۴: ۱-۶: ۸ نگاهی بیندازیم.

ساختار ادبی

این باب‌ها در پیدایش به چند مبحث متفاوت اشاره می‌کنند و شامل روایت‌ها و شجره‌نامه‌ها می‌شوند. وجود چنین پیچیدگی‌هایی اغلب باعث این برداشت می‌شود که باب‌های مزبور با هم تناسب ندارند. اما وقتی این بخش از پیدایش را عمیق‌تر بررسی می‌کنیم، خواهیم دید که از لحاظ ادبی، دقتی ماهرانه دارد و هدف واحدی را دنبال می‌کند. با نگاهی به پیدایش ۴: ۱-۶: ۸ خواهیم دید که این بخش از کتاب پیدایش به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود. اولین بخش شامل ۴: ۱-۵: ۳۲ می‌شود که آن را «خشونت و امید اولیه» نامیده‌ایم. بخش دوم ۶: ۱-۸ را در بر می‌گیرد و نام آن را «خشونت و امید متاخر» گذاشته‌ایم.

خشونت و امید اولیه

زمینه اولیه خشونت و امید به رهایی در باب‌های ۴-۵ پیدایش به چهار بخش تقسیم می‌شود، و این بخش‌ها دو دسته موازی از روایت‌ها و شجره‌نامه‌ها را تشکیل می‌دهند: ۴: ۱-۱۶ روایتی مشابه روایت ۴: ۲۵-۲۶ است، و ۴: ۱۷-۲۴ شجره‌نامه‌ای مرتبط با شجره‌نامه دوم در ۵: ۱-۳۲ را در بر دارد. این مطالب را با بررسی بعضی از روابط میان روایات مرتبط خواهیم سنجید، و سپس تشابهات میان دو شجره‌نامه را مورد توجه قرار می‌دهیم.

روایات

در وهله اول، موسی با داستانی درباره قائن گناهکار در ۴: ۱-۱۶ آغاز می‌کند. این بخش، داستان مشهور زمانی است که قائن با خشمی حسادت‌بار، برادرش هابیل را کشت. وقتی دقیق‌تر به این بخش نگاه می‌کنیم، به وضوح پنج صحنه غم‌انگیز را در آن می‌بینیم. داستان با زندگی هماهنگ قائن و هابیل در کنار هم در آیات ۱-۲ شروع می‌شود. با این حال، وقتی به انتهای روایت در آیه ۱۶ نگاه می‌کنیم، شرایط بسیار متفاوتی را می‌بینیم. در این تصویر، قائن تنها، از زمین نیکو، از خانواده‌اش و همچنین از حضور خاص خدا تبعید شده است.

مرحله دوم داستان در آیات ۲-۷، به وقایعی اشاره دارد که منجر به قتل هابیل توسط قائن شد و خصوصاً تمایز میان قربانی‌هایی که هر یک از آنان برای خدا گذراندند. به بیان ساده‌تر، خدا از قربانی هابیل خشنود شد، اما قربانی قائن را نپذیرفت. خدا همچنین به قائن هشدار داد که قدرت گناه در کمین تسلط بر اوست، ولی قائن توجهی به این هشدار نکرد.

بخش سوم این روایت در آیه ۸، نقطه عطف داستان را شکل می‌دهد. در این بخش قائن برادرش هابیل را به قتل رساند. قائن و هابیل از محل قربانی به دشتی رفتند و آنجا، همان‌طور که خدا هشدار داده بود، گناه بر قائن تسلط یافت و او را تبدیل به اولین قاتل تاریخ بشریت کرد.

بخش چهارم روایت در آیات ۹-۱۵ قرار دارد و لعنت و حفاظت خدا نسبت به قائن را شرح می‌دهد. خدا با تبعید قائن به سرگردانی در مکانی دور از زمین عدن، او را تحت لعنت قرار داد، اما در عین حال وی را از حمله دیگران حفظ کرد.

بنابراین، می‌بینیم که باب‌های ۴-۵ پیدایش با داستان گناه هولناک قائن شروع می‌شود. گناه چنان او را به تباهی کشید که عملاً برادر عادل خود، هابیل را به قتل رساند و در نتیجه زندگی به دور از مکان برکت خدا برای او مقرر شد.

حال که ساختار شروع روایت باب‌های ۴-۵ پیدایش را دیدیم، لازم است که به روایت دوم باب‌های مورد نظر در ۴: ۲۵-۲۶ بپردازیم. این متن توجه خواننده را از قائن گناهکار به شیث درستکار یعنی سومین پسر آدم جلب می‌کند.

گزارش مربوط به شیث درستکار به سه مرحله کوتاه تقسیم می‌شود. اول، در ۴: ۲۵، حوا شیث را به دنیا می‌آورد. در مرحله دوم در ۴: ۲۶، موسی اشاره کرد که شیث هم صاحب پسری به نام انوش شد. درباره این واقعه شرحی داده نشده، ولی موسی گزارش خود از تولد انوش را با مرحله سوم در ۴: ۲۶ ادامه داد و در آنجا درباره مشخصه روحانی این خانواده مطلبی نوشت. موسی در ۴: ۲۶ نوشت:

در آن وقت به خواندن اسم یهوه شروع کردند (پیدایش ۴: ۲۶).

به بیان ساده‌تر، شیث و انوش مردانی بودند که در دعا نام خدا را می‌خواندند. این مردان، در نقطه مقابل قائن گناهکار، در حضور خدا درستکار بودند و درستکاری خود را از طریق عبادت و دعای وفادارانه نشان می‌دادند.

شجره‌نامه‌ها

با در نظر داشتن تقابلات اساسی این روایات موازی، اکنون لازم است به شجره‌نامه‌های موازی در باب‌های ۴-۵ بپردازیم. اغلب به نظر می‌رسد که شجره‌نامه‌های پیدایش ۴-۵ چیزی بیش از گزارش مبهمی از نسل بیولوژیک یا زیستی افراد نیست و به همین دلیل بسیاری از مفسرین اهمیت آنها را نادیده می‌گیرند. اما نگاهی دقیق‌تر به این شجره‌نامه‌ها نشان می‌دهد که اطلاعاتی حیاتی در آنها گنجانده شده که به موسی برای رسیدن به اهداف خود در این بخش از تاریخ آغازین جهان، کمک می‌کنند.

از یک سو، اولین شجره‌نامه مربوط به نسل گناه‌آلود قائن در ۴: ۱۷-۲۴ است. موسی در این آیات فهرست تعدادی از نوادگان قائن و نیز تعمقی بر این موضوع که چگونه گناه، این خاندان را تبدیل به قبیله‌ای مغرور، لاف‌زن و رعب‌انگیز کرده بود را ذکر کرد.

دومین شجره‌نامه در ۵: ۱-۳۲، شامل نسل درستکار شیث است. در این متن، موسی تعدادی از اسامی مهم در خاندان شیث را به ثبت رساند. اما این خاندان برخلاف نسل قائن، به عدالت و وفاداری ادامه دادند.

یکی از راه‌هایی که می‌توانیم این مقصود را ببینیم، توجه به دو نام مشترکی است که موسی در هر دو فهرست آورده است. در هر دو شجره‌نامه قائن و شیث، اسامی خونخ و لمک وجود دارد و موسی به وضوح این مردان را با یکدیگر مقایسه کرد. ابتدا گفته‌های موسی درباره دو نفری را در نظر بگیرید که نام‌شان خونخ بود. از یک سو، در پیدایش ۴: ۱۷ درباره خونخ از نسل قائن اینطور می‌خوانیم:

و قائل... شهری بنا کرد و آن شهر را به اسم پسر خود، خونخ نام نهاد (پیدایش ۴: ۱۷).

قائل و پسرش خونخ با غرور زیادی آن شهر را خونخ نامیدند و از خودشان تجلیل کردند. وقتی به اهمیت این عبارت پی می‌بریم که آنچه موسی درباره خونخ از نسل شیث نوشته را می‌خوانیم. در ۵: ۲۴ موسی درباره خونخ از نسل شیث این‌طور می‌نویسد:

و خونخ با خدا راه می‌رفت و نایاب شد، زیرا خدا او را برگرفت (پیدایش ۵: ۲۴).

به زحمت می‌توانیم تضاد چشمگیرتری از آنچه اینجا در میان خونخ گناهکار و خونخ درستکار می‌خوانیم، در تصور بگنجانیم.

علاوه بر تقابلات میان دو خونخ، موسی به دو نفر به نام لَمک، یکی از نسل قائل و دیگری از نسل شیث اشاره می‌کند. بار دیگر تضادهای میان این دو مرد به شدت برجسته است. از یک سو، لَمک از نسل قائل شخصیتی هولناک داشت. پیدایش ۴: ۲۳-۲۴ گزارش می‌دهد که لَمک یک قاتل بود، و از این موضوع به خود می‌بالید. در مقابل، موسی برای نشان دادن شخصیت لَمک از نسل شیث، سخنان او را در هنگام به دنیا آمدن پسرش در ۵: ۲۹ به ثبت رساند:

[لَمک] وی را نوح نام نهاده گفت: «این ما را تسلی خواهد داد از اعمال ما و از محنت دست‌های ما از زمینی که خداوند آن را ملعون کرد» (پیدایش ۵: ۲۹).

طبق رسوم آن دوران کتاب‌مقدس، لَمک از نسل شیث نام پسرش را در قالب دعایی نزد خدا انتخاب کرد، به این امید که پسرش نوح موجب رهایی از آن شرایط سخت زندگی خواهد شد را نشان دهد که با لعنت زمین توسط خدا در روزگار آدم و حوا شروع شده بود.

پس از بررسی این موضوع که چگونه پیدایش ۴-۵ طرحی از خشونت و امید به رهایی اولیه را ابراز کرده، لازم است به دومین متن مربوط به خشونت و امید در پیدایش ۶: ۱-۸ بپردازیم.

خشونت و امید متاخر

با نگاهی دقیق‌تر به این آیات، می‌بینیم که ۶: ۱-۸ به سه مرحله تقسیم می‌شود: اول، آیات ۱-۳ که درباره شخصیت‌هایی به نام «پسران خدا» است. دوم، آیات ۴-۷ که به شخصیت‌های دیگری به نام «مردان تنومند» یا «نفیلیان» مربوط می‌شود. موسی پس از این دو بخش، کلام خود را با آیه ۸ و اشاره دوباره به نوح ختم می‌کند، یعنی مردی که در او امید به رهایی وجود داشت.

پسران خدا

دو مرحله اصلی در این آیات شرح مجموعه‌ای از وقایعی تهدیدآمیز است که بر روی زمین اتفاق افتادند، و سپس چگونگی واکنش خدا نسبت به این وقایع را آشکار می‌کند. بیایید ابتدا به تهدید پسران خدا و واکنش خدا در ۶: ۱-۳ نگاهی بیندازیم.

متأسفانه، این آیات از مشکل‌ترین آیات برای تفسیر در کتاب پیدایش هستند. این مشکل در وهله اول مربوط به آیه ۲ است که می‌گوید:

پسران خدا دختران آدمیان را دیدند که نیکومنظرند، و از هر کدام که خواستند، زنان برای خویشتن می‌گرفتند (پیدایش ۶: ۲).

موسی دقیقاً شرح نداده که این پسران خدا و دختران آدمیان چه کسانی بودند. ظاهراً او انتظار داشته که خوانندگان اصلی‌اش منظور او را درک کنند. اما برای خوانندگان امروزی شناسایی دقیق این شخصیت‌ها امکان‌پذیر نیست.

در تاریخ تفسیر کتاب مقدس، سه پیشنهاد معقول برای تعیین هویت این شخصیت‌ها ارائه شده است. اول، شاید منظور از پسران خدا، نسل شیث بوده که با دختران نسل قائن ازدواج کرده‌اند. اعتبار این تفسیر به دلیل تقابل‌هایی است که میان نسل قائن و نسل شیث در باب‌های ۴-۵ پیدایش ارائه شده‌اند. تفسیر دوم آن است که شاید منظور از پسران خدا، فرشتگان، و معنای دختران آدمیان، انسان‌های معمولی بوده باشد. این دیدگاه نیز به خاطر آنکه غالباً فرشتگان در متونی از عهد عتیق مانند ایوب ۱: ۶ و مزمو ۲۹: ۱، «پسران خدا» خوانده شده‌اند، اعتبار دارد. تفسیر سوم آن است که منظور از پسران خدا، پادشاهان و اصیل‌زادگانی بوده‌اند که زنان عامی و روستایی را به همسری گرفته‌اند. این دیدگاه نیز معتبر است چون در خاور نزدیک باستان، پادشاهان اغلب پسران خدا خوانده

می‌شدند، درست همانطور که در دوم سموئیل ۷: ۱۴ و مزمور ۲: ۷، پسر داوود، پسر خدا خوانده شده است. هر چند شخصا موافق سومین تفسیر هستیم، ولی نباید نسبت به هیچ موضع مشخصی تعصب نشان دهیم. اگرچه نمی‌توانیم قطعا این شخصیت‌ها را شناسایی کنیم، اما می‌توانیم با اطمینان از کاری که انجام داده‌اند صحبت کنیم. به یاد دارید که در پیدایش ۶: ۲ چنین خواندیم که:

پسران خدا... از هر کدام [از دختران آدمیان] که خواستند، زنان برای خویشان می‌گرفتند (پیدایش ۶: ۲).

این زبان معمول عهد عتیق در مورد ازدواج شرعی نیست، و قویا نشان می‌دهد که آن زنان و خانواده‌های‌شان از این روابط راضی نبودند. پسران خدا، که شاید نجیب‌زادگان قدرتمندی بوده‌اند، به زور آن زنان را بدون رضایت‌شان گرفتند. زبان مورد استفاده در اینجا حتی می‌تواند به معنی آن باشد که آن پسران خدا در واقع عمداً به این زنان تجاوز کردند. در هر صورت، خشونتی که پیشتر مشخصه رفتار تعرض‌آمیز قاتن و نسل او بود، اکنون به حیطة دیگری از زندگی، یعنی خشونت علیه زنان، وارد شده بود. موسی پس از توصیف رفتار تهدیدآمیز پسران خدا، به موضوع اصلی خود یعنی واکنش خدا به این وقایع پرداخته است. در پیدایش ۶: ۳ اینطور می‌خوانیم:

روح من در انسان دائما داوری نخواهد کرد، زیرا که او نیز بشر است. لیکن ایام وی صد و بیست سال خواهد بود (پیدایش ۶: ۳).

خدا از تداوم روش‌های مختلف گناه که خشونت را وارد نسل بشر کرده بود، خسته شد و گفت این فساد را تا ابد تحمل نخواهد کرد. با این حال، به خاطر فیض و رحمت خود، تصمیم گرفت به افراد بشر اجازه دهد تا پیش از اجرای حکم او، صد و بیست سال دیگر به زندگی ادامه دهند. مجموعه دوم رفتار مردم بر زمین و واکنش الاهی را می‌توان در پیدایش ۶: ۴-۷، در روایت مردان تنومند مشاهده کرد.

مردان تنومند

در آیه ۴ درباره شرایط تهدیدآمیز دیگری می‌خوانیم که شکل گرفته بود:

در آن ایام مردان تنومند در زمین بودند. و بعد از آن، هنگامی که پسران خدا به دختران آدمیان درآمدند و آنها برای ایشان اولاد زاییدند، ایشان جبارانی بودند که در زمان سلف، مردان نامور شدند (پیدایش ۶: ۴).

بعضی از ترجمه‌های انگلیسی قدیمی، با پیروی ساده از ترجمه سپتواجنت یا هفتادگانی، کلمه عبری «نفیلیم» را «غول‌پیکران» ترجمه کرده‌اند. اما این ترجمه از آنجا که مفهوم کلمه اصلی را نمی‌رساند، ضعیف است. نظر محققان در مورد معنای دقیق این کلمه یکسان نیست، ولی به احتمال زیاد منظور جنگاوران قوی یا فرماندهان جنگ بوده است. البته به نظر، ترجمه فارسی «جباران» تا حدودی این معنی را تداعی می‌کند.

موسی در این متن به طور خاص شرح داده که نفیلیان، «جباران زمان سلف، و مردان نامور» بوده‌اند. اصطلاح «جباران» یا «هگیوریم» عبری، به معنی جنگاوران یا سربازان قدرتمند است. در این متن، نام‌آوری جنگی نفیلیان بار منفی دارد. این مردان به خاطر جنگ‌های استثمارگرانه، خشونت، و ایجاد وحشت نسبت به اطرافیان خود شناخته شده بودند. خشونتی که با قتل هابیل توسط برادرش قائن شروع شد، و در لَمک از نسل قائن ادامه یافت، اکنون با تهدید خشونت‌بار نفیلیان، شدت بیشتری هم یافته بود. همانطور که در آیه ۵ می‌خوانیم:

خداوند دید که شرارت انسان در زمین بسیار است، و هر تصور از خیال‌های دل وی دائماً محض شرارت است (پیدایش ۶: ۵).

با ظهور نفیلیان، فساد نسل بشر به قدری زیاد شد که گناه کاملاً بر بشریت استیلا یافت. در نتیجه در آیات ۶-۷ می‌خوانیم:

خداوند از اینکه انسان را بر زمین ساخته بود، متأسف شد و در دل خود غمگین گشت. پس خداوند فرمود: «انسان را که آفریده‌ام از روی زمین محو خواهم ساخت، انسان و چارپایان و خزندگان و پرندگان آسمان را، زیرا که از ساختن آنها متأسف شدم» (پیدایش ۶: ۶-۷، هزاره).

خدا دید که نفیلیان، جهان او را مورد تهدید و ارعاب قرار داده‌اند، و وقت آن رسیده است که در آن ویرانگری عظیم و جهانی، مداخله کند.

خاتمه

خوشبختانه، پیدایش ۶: ۱-۸ با کلمات داوری تمام نمی‌شود. در عوض، موسی با حفظ طرح کلی این بخش از تاریخ آغازین خود، خاتمه امیدبخشی در آیه ۸ اضافه می‌کند. در آنجا می‌خوانیم که اگرچه خدا به خاطر فساد گناه، مصمم به محو بشریت بود، اما مردی وجود داشت که امید می‌بخشید:

اما نوح در نظر خداوند التفات یافت (پیدایش ۶: ۸).

موسی در این چند کلمه، سناریوی تهدید و امید به رهایی را تکمیل می‌کند. نابودی خشونت و بشریت گناهکار از طریق سیل، عملاً منجر به یک رهایی برای نسل‌های آینده می‌شد.

از بررسی ساختار ادبی پیدایش ۴: ۱-۶: ۸ متوجه می‌شویم که این باب‌های پیدایش بر دو مسئله اصلی تمرکز دارند: اول، تمرکز بر تهدید به خشونت از سوی کسانی که در روزگار قاتن و نسل او، علیه خدا سرکشی کردند. دوم، بر تهدید مردم گناهکار در روزگار پسران خدا و نفیلیان. اما موسی در هر دو مورد اشاره کرد که خدا از طریق پسر خاص شیت، یعنی مردی به نام نوح، رهایی را به ارمغان می‌آورد.

پس از نگاهی بر ساختار اولیه و موضوعات اصلی این بخش از پیدایش، آماده‌ایم تا سوال دوم را بررسی کنیم. معنای اصلی این باب‌ها چه بود؟ موسی در هنگام رهبری اسرائیلیان از مصر به سوی سرزمین وعده، چه موضوعی را مطرح می‌کرد؟

معنای اصلی

برای درک معنای اصلی این بخش از تاریخ آغازین، باید دو موضوع را در نظر گرفت: اول، خواهیم دید که چگونه موسی این بخش از تاریخ اولیه خود را به تجربه اسرائیل مربوط کرد؛ و دوم، مفاهیم ضمنی این روابط برای خوانندگان اصلی اسرائیلی موسی را بررسی خواهیم کرد. بیایید ابتدا به روش‌هایی بپردازیم که موسی این باب‌ها را به تجربیات اسرائیلیان تحت رهبری خود، ربط داد.

روابط

موسی این باب‌های تاریخ آغازین خود با جهان معاصرش را به واسطه شرح خشونت موجود در تاریخ اولیه انسان به اشکالی که شباهت زیادی با تجربه تحمل خشونت از سوی اسرائیل داشت، ربط داد. او با این کار نشان داد مشکلاتی که اسرائیل متحمل شد، بسیار شبیه مشکلات جهان اولیه بود.

برای بررسی روش موسی در برقراری این شباهت‌ها، یکبار دیگر به دو بخش اصلی پیدایش ۴: ۱-۸ نگاه می‌کنیم. یعنی: نخست، سناریوی خشونت و امید به رهایی اولیه در باب‌های ۴-۵، و سپس سناریوی خشونت و امید به رهایی متاخر در ۶: ۱-۸. بیایید ابتدا ببینیم چگونه پیدایش ۴-۵ با تجربه اسرائیل ارتباط داشت.

خشونت و امید اولیه

در حین بازنگری شخصیت‌های شرور و درستکار در پیدایش ۴-۵، به وضوح می‌بینیم که موسی این مطلب را شکل داد تا خوانندگانش قائل و خاندان او را به مصریان ربط دهند، و هابیل، شیث، و نسل شیث را با خودشان به عنوان قوم خدا مرتبط بدانند. اما موسی چگونه این روابط را ایجاد کرد؟

روایت‌ها. باید با بررسی داستان قائل گناهکار در پیدایش ۴: ۱-۱۶ آغاز کنیم. موسی در این داستان دست‌کم بر پنج موضوع تمرکز کرد که به اسرائیلیان اجازه داد متن را به وضعیت زندگی خودشان ربط دهند. در وهله اول، موسی در ایجاد این همبستگی‌ها به پیشه قائل و هابیل اشاره کرده است.

به نخستین وجه تمایز میان قائل و هابیل در پیدایش ۴: ۲ گوش بدهید:

هابیل چوپان، و قائل کشاورز شد (پیدایش ۴: ۲، مژده).

همانطور که متن نشان می‌دهد، قائل در مکان مشخصی مقیم بود و کشاورزی می‌کرد در حالیکه هابیل چوپان بود. در دوران باستان و امروزی، وجود تنش میان جوامع کشاورزی مقیم در یک مکان مشخص و چوپانان کوچ‌کننده رایج بوده است. همانطور که کتاب پیدایش هم اشاره می‌کند، موسی و اسرائیلیان از این نوع تنش و اینکه چطور به رنجی جدی در حین اقامت‌شان در مصر تبدیل می‌شد، آگاهی کامل داشتند. در پیدایش ۴۶: ۳۳-۳۴، یوسف اینطور برادرانش را در حین نقل مکان به مصر راهنمایی کرد:

وقتی فرعون از شما بپرسد که کار شما چیست؟ بگویید: «ما از دوران کودکی مانند اجدادمان چوپان بودیم و از گله‌های خود مواظبت می‌کنیم.» به این ترتیب او به شما اجازه می‌دهد که در منطقه جوشن ساکن شوید. یوسف این را به خاطر این گفت که مصری‌ها چوپانان را ناپاک می‌دانستند (پیدایش ۴۶: ۳۳-۳۴، مژده)

راهنمایی‌های یوسف در اینجا به ما می‌فهماند که چرا موسی به کشاورز بودن قائل و چوپانی هابیل اشاره کرد. او می‌خواست خوانندگان اسرائیلی‌اش قائل کشاورز را با مصریان، و خودشان را با هابیل که چوپان و قربانی بود یکی بدانند.

دومین رابطه میان این داستان و خوانندگان اصلی موسی، نیت قائن و هابیل در تقدیم قربانی‌های‌شان بود. همانطور که پیدایش ۴ به ما می‌گوید، خدا قربانی قائن را نپذیرفت، اما از قربانی هابیل خشنود شد. دلیل تمایز قائل شدن خدا میان این قربانی‌ها در پیدایش ۴: ۳-۴ به این شکل صریحا بیان شده است:

قائن مقداری از محصول خود را به عنوان هدیه نزد خدا آورد. هابیل هم اولین بره گله خود را آورد و قربانی کرد و بهترین قسمت آن را به عنوان هدیه به خدا تقدیم نمود (پیدایش ۴: ۳-۴، مژده).

به روش توصیف قربانی‌ها توسط موسی توجه کنید. در آیه ۳ او گفت قائن «مقداری از محصول خود را» هدیه کرد، اما در آیه ۴ نوشت هابیل «بهترین قسمت [اولین بره گله خود را]» قربانی کرد. این تمایز اهمیت زیادی دارد. قائن تنها مقداری از محصولش را جمع کرد و آورد. در بهترین حالت ممکن، عبادت او صوری بود، چون بهترین قسمت محصولش را برای خدا کنار نگذاشت. اما هابیل صادقانه بهترین اعضا (یعنی چربی بره که در قربانی‌های عهد عتیق بیشترین ارزش را داشت) از اولین بره گله خود را (که طبق شریعت موسی با ارزش‌ترین حیوان گله بود) آورد و شریعت خدا را به انجام رساند. قربانی قائن بیش از یک مراسم ریاکارانه نبود. اما در مقابل، هابیل با سرسپردگی صادقانه برای خدا قربانی گذراند.

موسی با استفاده از این تمایز میان قربانی‌های قائن و هابیل، ارتباط دیگر آنها با مصریان و اسرائیل را گوشزد کرد. وقتی به یاد می‌آوریم که اولین برخورد موسی با فرعون برای این بود که از او بخواهد اسرائیل را برای تقدیم قربانی به یهوه مرخص کند، این پیش‌زمینه اهمیت خود را نشان می‌دهد. همانطور که در خروج ۵: ۳ می‌خوانیم، موسی و هارون به فرعون گفتند:

خدای عبرانیان ما را ملاقات کرده است، پس الان سفر سه روزه به صحرا برویم، و نزد یهوه، خدای خود، قربانی بگذرانیم (خروج ۵: ۳).

اما فرعون درخواست آنها را نپذیرفت. طبق گزارش موسی در آیه ۴، فرعون به آنها گفت:

«ای موسی و هارون چرا قوم را از کارهای ایشان باز می‌دارید؟ به شغل‌های خود بروید!» (خروج ۵: ۴).

می‌بینیم درست مثل قائن که با قربانی‌های صوری‌اش به خدا بی‌حرمتی کرد، مصریان هم خدای اسرائیل را نمی‌پرستیدند. اما درست همانطور که هابیل قربانی‌های صادقانه و مورد پذیرش گذراند، اسرائیلیان هم به دنبال

پرستش و عبادت حقیقی یهوه بودند. به این شکل، موسی رابطه دیگری میان مصر با قائن، و اسرائیل با هابیل برقرار کرد.

سومین روش موسی در ایجاد ارتباط با تجربه اسرائیل، به واسطه نیت قتل بود. قائن برادرش هابیل را کشت، و اهمیت این واقعه هنگامی هویدا می‌شود که قتل اسرائیلیان در مصر را به یاد می‌آوریم. در باب‌های ۱-۲ خروج می‌خوانیم که مصریان نه تنها اسرائیلیان را به بیگاری گرفتند، بلکه فعالانه بسیاری از آنان، از جمله نوزادان آنها را هم می‌کشتند. موسی به این شکل رابطه‌های دیگر میان قائن با مصریان، و همچنین هابیل با اسرائیلیان را بسط داد.

شکل چهارمی که موسی این رابطه‌ها را ایجاد کرد، توصیف محل زندگی قائن بر زمین بود. وقتی خدا قائن را به خاطر قتل هابیل لعنت کرد، او را از زمین حاصل‌خیز تبعید کرد. همانطور که در پیدایش ۴: ۱۱-۱۲ می‌خوانیم:

اکنون تو ملعون هستی از زمینی که دهان خود را باز کرد... هر گاه کار زمین کنی، همانا قوت خود را دیگر به تو ندهد (پیدایش ۴: ۱۱-۱۲).

قائن ملعون شد تا در مکان‌هایی زندگی کند که کشاورزی در آنجا محصول بسیار کمی به بار می‌آورد. این توصیف موقعیت قائن، به خوبی با ارزیابی موسی از زمین مصر و زمینی که اسرائیل را با خود به آنجا می‌برد، سازگاری دارد. به مقایسه کنعان و مصر توسط موسی در تثنیه ۱۱: ۱۰-۱۲ گوش بدهید:

زمینی که تو برای گرفتن آن داخل می‌شوی، مثل زمین مصر که از آن بیرون آمدی نیست، که در آن تخم خود را می‌کاشتی و آن را مثل باغ بقول به پای خود سیراب می‌کردی. لیکن زمینی که شما برای گرفتنش به آن عبور می‌کنید، زمین کوه‌ها و دره‌هاست که از بارش آسمان آب می‌نوشد، زمینی است که یهوه خدایت بر آن التفات دارد و چشمان یهوه خدایت از اول سال تا آخر سال پیوسته بر آن است (تثنیه ۱۱: ۱۰-۱۲).

خدا قائن را به مکانی دور از عدن فرستاد، مکانی مانند مصر، که در آنجا کشاورزی مستلزم کار و تلاش زیادی بود. این واقعیت روش دیگری برای خوانندگان اسرائیلی موسی برای مربوط کردن قائن با مصریان بود. پنجمین روشی که باب‌های ۴-۵ پیدایش قائن را با مصر، و هابیل را با اسرائیل مربوط می‌کرد، موضوع محافظت از قائن بود. هرچند قائن برادرش هابیل را کشت، اما خدا همچنان او را از آسیب حفظ می‌کرد. خدا در پیدایش ۴: ۱۵ چنین گفت:

هر که قائن را بکشد، از او هفت چندان انتقام گرفته خواهد شد (پیدایش ۴: ۱۵، هزاره).

با اینکه قائن قاتل بود، خدا از جان او حفاظت کرد. یکبار دیگر، می‌بینیم موسی این وقایع را شرح می‌دهد تا اسرائیل آنها را با تجربه خودشان در مصر مربوط کنند. خدا حفاظت بزرگی به مصر اعطا کرد. هرچند آنها قاتل و مستحق محکومیت الاهی بودند، اما خدا مدت زیادی جان مصریان را به طور خاص حفظ کرد.

پس می‌بینیم که موسی دست‌کم به پنج روش شباهات معناداری را میان این دوران آغازین جهان و تجربه خروج اسرائیل برقرار کرد. مضامین کار و پیشه، عبادت، قتل، محل اقامت، و حفاظت همگی نشان می‌دهند که موسی می‌خواست خوانندگان اسرائیلی‌اش این داستان را در زندگی خود به کار بگیرند و قائن را با مصریان، و هابیل را با خودشان به عنوان قوم خدا مرتبط بدانند.

پس از بررسی ارتباط موجود در داستان قائن گناهکار، لازم است به روایت موازی شیث درستکار در پیدایش ۴: ۲۵-۲۶ نگاهی بیندازیم.

همانطور که دیدیم، موسی توضیح مهمی درباره شیث و پسرش انوش داد. در پیدایش ۴: ۲۶ چنین می‌خوانیم:

در آن زمان، مردم به خواندن نام خداوند آغاز کردند (پیدایش ۴: ۲۶، هزاره).

موسی به این حقیقت درباره شیث و پسرش اشاره کرد تا خوانندگان شباهت خودشان را نه تنها با هابیل، بلکه با شیث، پسر آدم که جای هابیل را گرفت هم ببینند.

در وهله اول، شیث از نام الاهی یهوه استفاده کرد و این باعث نوعی همبستگی میان او و اسرائیل شد. جالب است که کتاب خروج روشن می‌کند نام یهوه در روزگار موسی بود که مورد توجه عموم قرار گرفت. به طور مثال خدا به این شکل در خروج ۳: ۱۵ با موسی صحبت کرد:

به بنی اسرائیل بگو: «یهوه خدای پدران تان، خدای ابراهیم و خدای اسحاق و خدای یعقوب، مرا نزد شما فرستاده است.» نام من تا به ابد همین است، و همه نسل‌ها مرا به این نام یاد خواهند کرد (خروج ۳: ۱۵، هزاره).

هر چند نوشته‌های کتاب مقدس نشان می‌دهد که نام یهوه از زمان شیث به کار می‌رفته است، اما در زمان موسی بود که تبدیل به نام اصلی مورد استفاده برای خدا شد. به همین دلیل اسرائیلیان وفادار تحت رهبری موسی، خودشان را با شیث درستکار مرتبط می‌دانستند. آنها هم مانند او نام یهوه را عزیز می‌داشتند.

در وهلهٔ دوم، اسرائیلیان حتما باید خودشان را به خاطر موضوع دعای شیث، با او مرتبط می‌دانستند. این موضوع در پیدایش ۴: ۲۶، جایی که موسی نوشت خانوادهٔ شیث «به خواندن نام خداوند آغاز کردند» هم به چشم می‌خورد. در عهد عتیق «خواندن نام خداوند (یهوه)» اغلب به منزلهٔ فریاد برای جلب کمک الهی در زمان سختی و احتیاج بود. در پرتو این موضوع، می‌بینیم که موسی رابطهٔ دومی با اسرائیل زمان خود ترسیم می‌کند. در مابقی کتاب‌های پنج‌گانهٔ موسی (تورات) متوجه می‌شویم که اسرائیل حین خروج از مصر، بارها در مواقع بحرانی نام یهوه را می‌خواند، درست همانطور که شیث و انوش نام او را خوانده بودند.

پس می‌بینیم که موسی روایات قائل گناهکار و شیث درستکار را تنظیم کرد تا شباهت‌های آنها با جهان معاصر خود را شکل دهد. او می‌خواست خوانندگانش متوجه باشند که مصریان شبیه قائل بودند. او همچنین می‌خواست خوانندگانش ببینند که خودشان به هابیل و شیث شباهت دارند. با در نظر داشتن این رابطه‌های اولیه، می‌توانیم شجره‌نامه‌های قائل و شیث را بررسی کنیم.

شجره‌نامه‌ها: همانطور که خواهیم دید، موسی این شجره‌نامه‌ها را هم تنظیم کرد تا اسرائیلیان همچنان مصریان را با شروران و خودشان را با درستکاران مرتبط بدانند. او برای پیشبرد هدف اصلی خویش، در پیدایش ۴: ۱۷-۲۴ نسل قائل را به اشکالی معرفی می‌کند که ارتباط او با مصر انکارناپذیر می‌شود. این رابطه‌ها دست‌کم به شش صورت ظاهر می‌شوند. اول، موسی بر قائل به عنوان یک شهرساز توجه داشت. او در پیدایش ۴: ۱۷ نوشت:

قائل ... شهری بنا می‌کرد (پیدایش ۴: ۱۷).

لازم به ذکر نیست که اسرائیلیان به خوبی می‌دانستند مصریان شهرسازان قابل‌هستند - در واقع ساخت شهرها برای مصریان، بخشی از کار اسرائیلیان به عنوان بردگان مصر بود. به همین دلیل این کلمات دربارهٔ قائل، رابطهٔ محکمی میان او با مصریان ایجاد می‌کرد.

دوم، باید به نام شهر قائل هم توجه کنیم. بار دیگر در پیدایش ۴: ۱۷ چنین می‌خوانیم:

قائل ... شهری بنا می‌کرد و آن شهر را به اسم پسر خود، خنوخ نام نهاد (پیدایش ۴: ۱۷).

این حقیقت برای اسرائیلیان زمان موسی، یادآور عملکرد مصریان بود. همانطور که موسی در خروج ۱: ۱۱ نوشت:

[مصریان] سرکاران بر ایشان گماشتند، تا ایشان را به کارهای دشوار ذلیل سازند، و برای فرعون شهرهای خزینه، یعنی فیتوم و رعمسیس را بنا کردند (خروج ۱: ۱۱).

شهر رعمسیس (رامسس) در بزرگداشت فرعون رامسس نامگذاری شد. مصریان هم درست مانند قائن، برای افتخار و بزرگداشت خودشان، شهرهایشان را به نام خود نامگذاری می کردند. به این ترتیب، شجره‌نامه قائن رابطه دیگری میان قائن و مصریان را نشان می داد.

سومین ارتباط میان نسل قائن و مصر با غرور لمک، فرزند قائن در ارتکاب به قتل ظاهر می شود. در ۲۳: ۴ می خوانیم که لمک در مدح خود در حضور زنانش، سرودی سرایید:

ای عاده، ای ظلّه، به من گوش فرادهید! ای زنان لمک، سخنانم را بشنوید. مردی را به سبب زخمی که به من زد کشتم (پیدایش ۴: ۲۳، هزاره).

خودستایی لمک از بی رحمی هایش هم حتما در ذهن اسرائیلیان باستان، او را با مصریان مرتبط می کرد. اسرائیلیان کاملا از سنگ نوشته های مصر باستان در مدح فراعنه و ارتشیان مصر به خاطر تعرضات مرگبارشان اطلاع داشتند. رابطه چهارم را می توان در توجه موسی به مرگ کودکان یافت. یک بار دیگر به آنچه لمک در ۲۳: ۴ گفت، گوش بدهید:

مردی را به سبب زخمی که به من زد کشتم، و جوانی را به سبب جراحتی که بر من وارد آورد (پیدایش ۴: ۲۳، هزاره).

«جوان» در اینجا، برگردان اصطلاح عبری «یلد» است که اغلب «پسر بچه» ترجمه می شود. یکی از قربانیان لمک به احتمال زیاد یک کودک بوده است. همان طور که همه ما می دانیم، در باب اول کتاب خروج، فرعون دستور کشتار پسران اسرائیلی را صادر کرد. مصریان هم مثل لمک قائن، علیه فرزندان پسر بی دفاع اسرائیلیان قد علم کرده بودند. ارتباط پنجم میان خاندان قائن و مصریان در ادعای لمک مبنی بر حفاظت چند برابر از جانش آشکار می شود. در پیدایش ۴: ۲۴، لمک ادعا کرد که بیش از قائن مورد حفاظت است:

اگر برای قائن هفت چندان انتقام گرفته شود، هرآینه برای لمک، هفتاد و هفت چندان (پیدایش ۴: ۲۴).

درست همانطور که لمک فکر می‌کرد خدا حافظ او است، فراعنه مصر هم از حفاظت خدایان‌شان مطمئن بودند. در واقع، سال‌های سال اینطور به نظر می‌رسید که مصریان بیش از پیش از این حفاظت در برابر بلا و آسیب، برخوردارند.

در وهله ششم، لازم است که به کمال فرهنگی نسل قائن توجه کنیم. به توصیفی که از سه برادر از نسل قائن یعنی یابال، یوبال، و توبل در ۴: ۲۰-۲۲ شده گوش بدهید:

یابال... پدر خیمه‌نشینان و صاحبان مواشی بود... یوبال... پدر همه نوازندگان بربط و نی بود... توبل... صانع هر آلت مس و آهن بود (پیدایش ۴: ۲۰-۲۲).

موسی با این کلمات خانواده قائن را بسیار با کمالات توصیف کرد. یابال فقط یک چوپان ساده نبود، بلکه دام‌پروری را ابداع کرد. یوبال، مخترع موسیقی، و توبل قائن مبدع فلزکاری پیشرفته بود. اسرائیلیان زمان موسی به زحمت می‌توانستند این ارتباط را نادیده بگیرند. فرهنگ مصر بسیار پیشرفته‌تر از شیوه زندگی ساده کوچ‌نشینان پدران اسرائیل بود. موسی عمدا نسل گناهکار قائن را با این روش توصیف کرد تا خوانندگانش ارتباط میان نسل قائن و مصریان را تشخیص دهند.

پس می‌بینیم که موسی دست‌کم به شش روش رابطه میان خاندان قائن و مصریان را به تصویر کشید. وصف او از شهرسازی، نامگذاری شهرها، افتخار به قتل و کشتار، خشونت علیه کودکان، حفاظت الاهی، و کمال فرهنگی در خاندان قائن، طراحی شده بود تا این رابطه‌ها را به وجود آورد. اکنون لازم است توجهی هم به شجره‌نامه شیت در پیدایش ۵: ۱-۳۳ بیندازیم. همانطور که انتظار داریم، موسی شجره‌نامه شیت را طوری ارائه می‌کند که خوانندگان اسرائیلی‌اش شباهت خود را با نسل شیت تشخیص دهند. این ارتباط دست‌کم مبتنی بر چهار عامل بود. در وهله اول، باید دقت کنیم که از لحاظ بیولوژیکی، قوم اسرائیل از نسل شیت بودند. در پیدایش ۵: ۳۲ اسامی سه پسر نوح را می‌بینیم:

و نوح پانصد ساله بود، پس نوح سام و حام و یافث را آورد (پیدایش ۵: ۳۲).

نام سام اهمیت خاصی برای موسی داشت چون سام جد اسرائیل بود. در زبان امروزی اصطلاحات «سامی» یا «نسل سام» مربوط به همین نام می‌شوند. هرچند سایر ملت‌ها هم از نسل سام بودند، اما اسرائیلیان به عنوان قوم خاص و برگزیده خدا، در میان نوادگان سام قرار داشتند. پس موسی از این جنبه ساده بیولوژیکی، خوانندگان اسرائیلی‌اش را با خاندان سام مرتبط کرد.

ارتباط دوم میان نسل سام و اسرائیل، در توجه مکرر به درستکاری نوادگان شیث آشکار می‌شود. مشخصه نسل شیث، وفاداری و عدالت بود. مثلاً طبق پیدایش ۵: ۲۴:

خنوخ با خدا راه می‌رفت و نایاب شد (پیدایش ۵: ۲۴).

در کتاب مقدس عبری، اصطلاحی که «با خدا راه می‌رفت» ترجمه شده، فقط در اشاره به خنوخ و نوح به کار رفته است. ولی بارها و بارها مخصوصاً در کتاب تثنیه، موسی به اسرائیل یادآور شد که باید مانند خنوخ در راه‌های یهوه قدم بردارند. به این طریق اسرائیلیان وفادار که از موسی پیروی می‌کردند یک نقطه اشتراک دیگر میان خودشان و نسل شیث می‌یافتند. هدف آنها این بود که شبیه خنوخ شوند.

رابطه سوم میان شجره‌نامه شیث و تجربه اسرائیل را می‌توان در تاکید موسی بر تعداد نفرات نسل شیث مشاهده کرد. از شجره‌نامه شیث متوجه می‌شویم که نسل او بسیار پرشمار شدند. موسی افزایش عددی خاندان شیث را با تکرار این موضوع که «پسران و دختران دیگری» هم برای نسل شیث به دنیا آمدند، نشان داده است. این تاکید بر تعداد نفرات نسل شیث برای خوانندگان اسرائیلی موسی از این نظر اهمیت داشت که آنها می‌دانستند در حین اقامت در مصر و خروج از آنجا، خدا از نظر تعداد نفرات، برکت بزرگی به آنها داده بود.

در وهله چهارم، موسی بر بهره‌گیری بسیاری از افراد نسل شیث از عمر طولانی هم تاکید کرد تا اسرائیل را با آنها پیوند بزند. به عنوان مثال، همه ما می‌دانیم که عمر متوشالح از نسل شیث، طولانی‌تر از هر کسی در تاریخ کتاب مقدس بود. بر اساس پیدایش ۵: ۲۷، او ۹۶۹ سال زندگی کرد. افراد زیاد دیگری از نسل شیث هم عمر طولانی داشتند. توجه موسی به عمر طولانی نوادگان شیث از این نظر اهمیت دارد که طبق شریعت موسی، قرار بود هدف و آرزوی هر اسرائیلی وفادار در سرزمین وعده، عمری طولانی باشد. او با اشاره به عمر طولانی فرزندان شیث، رابطه دیگری میان نسل شیث و اسرائیل ترسیم کرد.

به این ترتیب، موسی خشونت و امید به رهایی اولیه در تاریخ آغازین را نگاهت تا نقاط مشترک قوی آن با جهان معاصر خود را گوشزد کند. قائن و نسل او باید با مصریانی که رفتاری خشن با اسرائیل داشتند، مرتبط می‌شدند. این همبستگی‌ها در قلب راهبرد موسی در این بخش از تاریخ مدون او جای داشت.

پس از بررسی روش موسی در ثبت خشونت و امید اولیه، لازم است که مختصراً به پیدایش ۶: ۱-۸، یعنی خشونت و امید به رهایی بعدی، بپردازیم.

خشونت و امید متاخر

بیابید به طور خاص توصیف موسی از این مردان را در ۴: ۶ را ببینیم:

و در آن ایام مردان تنومند [نفیلیان] در زمین بودند. و بعد از آن هنگامی که پسران خدا به دختران آدمیان درآمدند و آنها برای ایشان اولاد زاییدند، ایشان جبارانی بودند که در زمان سلف، مردان نامور شدند (پیدایش ۶: ۴).

قبلا دیدیم که نفیلیان جنگاوران قدرتمندی بودند که به خاطر تعرضاتشان شهرت داشتند. اما توجه کنید که موسی توضیح مهمی درباره آنها داده است. او گفت که آنها در روزگار آغازین «و بعد از آن» در زمین بودند. با افزودن این اشاره به نفیلیان جنگاور که بعد از سیل زندگی می‌کردند، موسی به خوانندگان اسرائیلی‌اش یادآور شد که آنها در تاریخ معاصر خود هم با نفیلیان برخورد کرده بودند. تنها جای دیگری که از اصطلاح نفیلیان در کتاب مقدس استفاده شده در اعداد ۱۳: ۳۲-۳۳ است. در آنجا جاسوسانی که موسی به کنعان فرستاده بود، گزارش مشاهده نفیلیان را دادند. آنها اینطور گفتند:

سرزمینی که برای تجسس از آن گذشتیم... ساکنانش را فرو می‌بلعد... نفیلیان را در آنجا دیدیم... ما در نظر خود همچون ملخ بودیم و در نظر ایشان نیز همچین (اعداد ۱۳: ۳۲-۳۳، هزاره).

بنا به گزارش جاسوسان بی‌ایمان، سرزمین کنعان مکانی خشن و تهدیدآمیز بود و نفیلیان در میان ساکنانش، جنگاورانی شرور بودند که دل آنها را از ترس به لرزه انداختند. متأسفانه، این گزارش باعث شد که نسل اول اسرائیلیان پیرو موسی، از فراخوان خدا برای فتح و پیروزی رویگردان شوند. خدا چنان از این عدم ایمان ناراحت شد که اسرائیلیان را با سرگردانی و بی‌هدفی به بیابان بازگرداند تا اینکه آن نسل اول از دنیا بروند و نسل جدیدی با آمادگی به دنبال فتح پیروزمندانه باشند.

در پرتو این مسئله می‌توانیم درک کنیم که چگونه موسی رابطه محکم دیگری میان این بخش از تاریخ آغازین خود و تجربه اسرائیل ترسیم کرد. او می‌خواست خوانندگان اسرائیلی‌اش نفیلیان اولیه در پیدایش باب ۶ را با نفیلیان جنگاور کنعان مرتبط بدانند. به این طریق، خشونت و امید به رهایی در پیدایش ۶: ۱-۸ مستقیماً با تهدید به خشونت در فتح کنعان همخوانی داشت.

تا اینجا در بررسی معنای اصلی پیدایش ۴: ۱-۶: ۸، ارتباط میان شخصیت‌های آغازین جهان را با تجربه قوم اسرائیل در روزگار موسی دیدیم. اکنون لازم است که به سوال دوم پردازیم: این ارتباطات برای قوم اسرائیل که به دنبال موسی به سوی سرزمین وعده می‌رفتند، به طور ضمنی اشاره به چه چیزهایی می‌کرد؟

اشارات ضمنی

برای درک قلب پیام موسی به اسرائیل، باید سناریوی اولیه‌ای که دو بار در این متن ظاهر می‌شود را به خاطر داشته باشیم. به یاد دارید که پیدایش ۴: ۱-۶: ۸ شامل دو سناریوی خشونت و امید به رهایی است؛ ۴: ۱-۵: ۳۲ بر خشونت قاتن و نسل او تمرکز دارد. اما ۵: ۲۹ و ۳۲ با اشاره به نوح نشان می‌دهد که رهایی به واسطه او در راه خواهد بود. درست به همین شکل، در حالیکه پیدایش ۶: ۱-۸ خشونت پسران خدا و نفیلیان را به ثبت رسانده، پیدایش ۶: ۸ یک بار دیگر با اشاره به نوح بیان می‌کند که قصد خدا رهایی اسرائیلیان از این تهدیدها بوده است. برای اسرائیلیان پیرو موسی، این سناریوها حتما خبرهای خوش بوده‌اند. آنها نشان می‌دادند که خدا برای شان تا به آن زمان چه کرده و قرار بود چه کند. از سویی، درست همان‌طور که خدا از نوح برای رهایی پدران اسرائیل از دست نسل قاتن استفاده کرده بود، در آن زمان هم موسی را برای رهانیدن اسرائیلیان از ستم مصریان به کار گرفت. از سویی دیگر، درست همان‌طوری که خدا از نوح برای رهایی بخشیدن از دست نفیلیان اولیه استفاده کرده بود، اکنون می‌خواست با استفاده از موسی، اسرائیلیان را در رویارویی با تهدید نفیلیان زمین کنعان، رهایی ببخشد. حال که ساختار و معنای اصلی پیدایش ۴: ۱-۶: ۸ را دیدیم، باید اکنون به کاربرد امروزی که آخرین مبحث ماست، پردازیم. چگونه عهد جدید به ما می‌آموزد تا این بخش از تاریخ اولیه جهان موسی را در زندگی امروزمان به کار ببندیم؟

کاربرد امروزی

طبق روال معمول، به توضیحاتی که عهد جدید درباره این موضوعات در سه مرحله پادشاهی مسیح می‌دهد، خواهیم پرداخت: اول، تاسیس پادشاهی که در هنگام آمدن اول مسیح بر زمین اتفاق افتاد؛ دوم، تداوم پادشاهی، که در طول تاریخ کلیسا همچنان ادامه دارد؛ و سوم، کمال پادشاهی، در هنگام بازگشت پرجلال مسیح و برپایی آسمان‌ها و زمین جدید. با بررسی جداگانه این مراحل پادشاهی مسیح، می‌توان درک کامل‌تری از روش‌های کاربردی خشونت و رهایی در زندگی امروزی مسیحی به دست آورد. بیایید ابتدا به موضوعات خشونت و امید به رهایی در تاسیس این پادشاهی پردازیم.

تاسیس

تاسیس پادشاهی در اولین آمدن مسیح، دست کم به دو شکل یادآور جهان سرشار از خشونت در تاریخ آغازین جهان است: اول، ارتباط آن را با خشونت‌هایی که مسیح در حین زندگی بر زمین متحمل شد، بررسی می‌کنیم؛ و دوم، ارتباط آن را با رهایی‌ای که عیسی برای قوم خود به ارمغان آورد، خواهیم یافت. بیایید ابتدا به رنجی نگاه کنیم که عیسی در آمدن اول خود تجربه کرد.

خشونت

هر که با زندگی عیسی آشنا باشد، می‌داند که او به اشکال متعددی از جفای جهانیان رنج کشید. وقتی به ستم‌دیدگان خدمت می‌کرد، غم و درد آنها را متحمل شد. اما بی‌شک بر اساس عهد جدید، اوج خشونت اعمال شده بر مسیح، مرگ او بر صلیب بود. عیسی با تحمل یکی از بدترین اشکال اعدام در زمانه خود، در واقع سرنوشتی بدتر از آنچه عادلان در دوران آغازین تحمل کرده بودند، داشت.

از این دیدگاه، تعجب‌آور نیست که یکی از روش‌های عهد جدید در توصیف رنج‌های عیسی، مقایسه مرگ او بر صلیب با خشونت جهان آغازین، یا دقیق‌تر بگوییم، با مرگ هابیل است. نویسنده عبرانیان می‌داند که مسیح میرا از گناه به دست مردان شرور رنج کشید، و به همین دلیل، در رساله خود در ۱۲: ۲۳-۲۴، مرگ مسیح را با مرگ هابیل مقایسه کرده است:

[اما شما در] مجلس جشن و اجتماع نخست‌زادگانی که اسامی آنان در عالم بالا ثبت شده است، و در برابر خدا – داور همه – و ارواح نیکان قرار گرفته‌اید و نزد عیسی، واسطه پیمان تازه که خون ریخته‌اش او حاکی از پیامی بهتر از خون هابیل است، آمده‌ایم (عبرانیان ۱۲: ۲۳-۲۴، مژده).

کنایه روشنی در اینجا به تاریخ آغازین موسی به چشم می‌خورد. ریخته شدن خون مسیح، پیام بهتر یا بزرگتری از خون هابیل داشت. به این مفهوم که، مرگ مسیح در نظر خدا حتی اهمیت بیشتری از مرگ هابیل داشت. مرگ عیسی واقعه‌ای معمولی نبود. مرگ او فدیهای برای گناهان قومش بود چون او به جای هرکسی که به او ایمان بیاورد، رنج کشید. اما فراتر از این، مرگ مسیح بسیار بیشتر از خون هابیل خشم عادلانه خدا را به جوش آورد. از این منظر، وقتی روایت موسی را درباره خشونت در تاریخ آغازین جهان می‌خوانیم، نباید فقط به دنبال دلیل نگارش این باب‌ها برای خوانندگان اسرائیلی اولیه‌اش باشیم. از دیدگاه عهد جدید، این موضوع را هم باید در نظر بگیریم که خشونت وارد بر عادلان در تاریخ آغازین، به نوعی پیش‌بینی رنج مسیح در تاسیس پادشاهی‌اش بود.

پس از نگاهی به ترسیم روابط میان خشونت در جهان اولیه و رنج مسیح، اکنون باید به شیوه دومی که تاسیس پادشاهی خدا به این بخش از پیدایش اشاره می‌کند، بپردازیم. پیوند مهم دیگر آن در امید به رهایی‌ای است که عیسی برای جهان به ارمغان آورد.

رهایی

عیسی بیش از هر چیز در خدمت عمومی خود پیامی از امید را اعلام می‌کرد؛ انجیل، اعلام این پیام است که روزی برای پیروان عیسی، رنج‌های زندگی به پایان می‌رسد. تعهد عیسی به این پیام انجیل در سرتاسر تعلیم او آشکار است. اما در نظر بگیرید که پیام رهایی در خوشا به حال‌ها، یعنی در عبارت‌های اول موعظه بالای کوه چقدر برجسته است. وقتی عیسی این موعظه مشهور را شروع کرد، در متی ۵: ۱۰-۱۲ اینطور گفت:

خوشا به حال زحمت‌کشان برای عدالت، زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است. خوشحال باشید چون شما را فحش گویند و جفا رسانند، و به خاطر من هر سخن بدی بر شما کاذبانه گویند. خوش باشید و شادی عظیم نمایید، زیرا اجر شما در آسمان عظیم است (متی ۵: ۱۰-۱۲).

این خوشا به حال‌ها نشانگر یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های خدمت تعلیم عیسی در ارائه این پیام امیدبخش بود که خدا قوم خود را رها نکرده است. عیسی به پیروانش دلگرمی و امید می‌داد که خدا روزی آنها را از همه رنج‌های‌شان خواهد رها کند.

اما تعلیم عیسی فقط خبر خوش امید به رهایی، از طریق مرگ و قیام او نبود، بلکه او در واقع این رهایی‌ای که اعلام می‌کرد را شخصا به انجام رسانید. از آنجایی که عیسی پسر بی‌نقص داوود بود، مرگ او فدیۀ گناهان قوم خدا بود. مرگ او خون‌بهای گناه را پرداخت کرد تا دیگر پیروانش از وحشت مرگ، نترسند. همانطور که در عبرانیان ۲: ۱۴-۱۵ می‌خوانیم، عیسی مرد تا:

به وساطت موت، صاحب قدرت موت، یعنی ابلیس را تباه سازد، و آنانی را که از ترس موت، تمام عمر خود گرفتار بندگی می‌بودند، آزاد گرداند (عبرانیان ۲: ۱۴-۱۵).

بنابراین می‌بینیم که موضوعات خشونت و امید به رهایی در تاسیس پادشاهی مسیح به کار می‌روند. همانطور که موسی در تایید تهدیدهای موجود علیه اسرائیل نوشت و به اسرائیل درباره قدرت خدا برای رهایی تعلیم داد، عهد

جدید هم آشکار می‌کند که مسیح آمد تا متحمل خشونت شود و رهایی از قدرت شرارت در جهان را برای قوم خود به ارمغان بیاورد.

پس از بررسی بعضی از نکاتی که عهد جدید در مورد پیوند آمدن نخست عیسی با تاریخ آغازین جهان متذکر می‌شود، باید متوجه باشیم که چگونه عهد جدید این بخش از تاریخ آغازین را در تداوم این پادشاهی، یعنی فاصله بین آمدن اول و دوم مسیح، به کار می‌گیرد.

تداوم

عهد جدید دست‌کم به دو روش توضیح می‌دهد که چگونه تداوم پادشاهی مسیح به موضوعات پیدایش ۴: ۱-۶ اشاره می‌کند، و این اشاره‌ها رهنمودی اساسی برای به کارگیری این بخش از کلام خدا در کلیسای مسیحی است. از یک سو، عهد جدید تعلیم می‌دهد که باید منتظر تداوم خشونت علیه قوم خدا باشیم، و از سوی دیگر ما را تشویق می‌کند تا با پایداری در ایمان به رهایی مسیح، متحمل این زمان‌های سخت بشویم. ابتدا این حقیقت را در نظر بگیرید که باید منتظر خشونت علیه پیروان مسیح باشیم.

تداوم خشونت

عیسی در چند مورد تعلیم داد که پیروانش از تنفر و آزار جهانیان، رنج خواهند برد. اما در متی ۲۳: ۳۴-۳۵، شخصا توجه شنوندگان را به این حقیقت جلب کرد که این رنج با رنجی که عادلان در جهان آغازین می‌کشیدند، ارتباط دارد. عیسی خطاب به فریسیان گفت:

لهذا الحال انبیا و حکما و کاتبان نزد شما می‌فرستم و بعضی را خواهید کشت و به دار خواهید کشید و بعضی را در کنایس خود تازیانه زده، از شهر به شهر خواهید راند، تا همه خون‌های صادقان که بر زمین ریخته شد بر شما وارد آید، از خون هابیل صدیق تا خون زکریا ابن برخیا (متی ۲۳: ۳۴-۳۵).

عیسی پیش‌گویی کرد که وقتی پیروانش را به جهان بفرستد، به سختی مورد آزار قرار خواهند گرفت. اما توجه کنید که او چگونه این پیش‌گویی را به تاریخ آغازین مربوط کرد. او گفت خشونت آینده علیه پیروانش ادامه الگوی خشونتی است که در ابتدای زمان هم، با ریختن خون هابیل که قاتن وی را به قتل رساند، معمول بود.

تداوم ایمان

وقتی متوجه می‌شویم که پیروان مسیح در تداوم پادشاهی او، همواره از آزار رنج خواهند برد، می‌توانیم به اهمیت پایداری در ایمان مان به مسیح هم پی ببریم. نویسندهٔ عبرانیان در باب ۱۱ رسالهٔ خود به این موضوع اشاره کرده است. در ۴:۱۱ اینطور می‌خوانیم:

به ایمان هابیل قربانی نیکوتر از قائن را به خدا گذرانید و به سبب آن شهادت داده شد که عادل است، به آنکه خدا به هدایای او شهادت می‌دهد. و به سبب همان بعد از مردن هنوز گوینده است (عبرانیان ۱۱:۴).

مفهوم اصلی این متن آن است که پیروان مسیح در سرتاسر اعصار باید پیرو نمونهٔ هابیل باشند. هرچند نیکویی و عدالت هابیل، از جانب برادر شرورش برای او دردسرساز شد، اما هابیل تا همین امروز همچنان نمونهٔ وفاداری و ایمان برای همهٔ ایمانداران است.

پس می‌بینیم که موضوعات خشونت و رهایی در تاریخ آغازین جهان برای پیروان مسیح در تداوم پادشاهی او همچنان کاربرد دارد. از یک سو، باید آمادهٔ رنج دیدن از مخالفت و خشونت در عصر خودمان باشیم. اما از سوی دیگر، در حین پایداری در مواقع سختی، فقط با ایمان و امید به اینکه روزی مسیح ما را خواهد رها کند، می‌توانیم پیروز شویم.

پس از بررسی مصداق خشونت و رهایی در تاسیس و تداوم پادشاهی خدا، لازم است که به مرحلهٔ نهایی پادشاهی مسیح، یعنی بازگشت ثانوی او بپردازیم.

تکمیل

به زبان ساده، عهد جدید تعلیم می‌دهد که در هنگام بازگشت مسیح، شاهد پایان خشونت علیه قوم خدا خواهیم بود و رهایی نهایی را در جهان مبارک ابدی خواهیم چشید.

پایان خشونت

پایان خشونت، جنبهٔ مرکزی تصویر عهد جدید از نهایت این جهان است. وقتی مسیح بر گردد، خلقت را کاملاً نو و عاری از خشونت خواهد ساخت. به آنچه یوحنا رسول دربارهٔ بازگشت مسیح در مکاشفه ۲۱: ۱-۵ می‌گوید، گوش بدهید:

و دیدم آسمانی جدید و زمینی جدید، چونکه آسمان اول و زمین اول درگذشت ... و آوازی بلند از آسمان شنیدم که می‌گفت... «خود خدا با ایشان خدای ایشان خواهد بود. و خدا هر اشکی را از چشمان ایشان پاک خواهد کرد. و بعد از آن موت نخواهد بود و ماتم و ناله و درد دیگر رو نخواهد نمود زیرا که چیزهای اول درگذشت.» و آن تخت‌نشین گفت: «الحال همه چیز را نو می‌سازم» (پیدایش ۲۱: ۱-۵).

رهایی نهایی

اما در عین حال، کمال پادشاهی مسیح فقط پایان خشونت نخواهد بود. وقتی او برگردد، برکات بی‌پایان حیات و آرامش را به قوم خود هدیه خواهد داد. رهایی ما کامل و نهایی، خواهد بود. در مکاشفه ۲۲: ۱-۲ درباره رهایی نهایی‌مان اینطور می‌خوانیم:

آنگاه نهر آب حیات را به من نشان داد که همچون بلور شفاف بود و از تخت خدا و بره جاری می‌شد. و از وسط میدان شهر می‌گذشت. در دو طرف نهر، درخت حیات بود که دوازده بار میوه می‌داد، یعنی هر ماه یک بار. و برگهای آن برای شفای قومها بود (مکاشفه ۲۲: ۱-۲، هزاره).

در سرتاسر عهد جدید، امید به رهایی نهایی هنگام بازگشت ثانوی مسیح به چشم می‌خورد. این اوج ایمان مسیحی است. ما در آرزوی روزی هستیم که آزمایش‌ها و سختی‌های این جهان با شگفتی‌های حیات‌بخش جهان آینده جایگزین شود. رنج تبدیل به شادی شود. پیروزی جای مجادله و کشمکش را بگیرد. و حیات ابدی جایگزین مرگ شود.

پس می‌بینیم همانطور که موسی درباره جهان آغازین سرشار از خشونت نوشت تا اسرائیل را تشویق به حرکت به سوی کنعان کند، عهد جدید هم به ما تعلیم می‌دهد تا آرزوی جهان تازه نهایی را در سر داشته باشیم. وقتی مسیح برگردد، همه کسانی که به او اعتماد کرده‌اند، شاهد پایان خشونت خواهند بود، و رهایی کامل و پر جلالی را در جهان ابدی نجات به میراث خواهند برد.

نتیجه‌گیری

در این درس به جوانب زیادی از جهان آغازین سرشار از خشونت پرداختیم که در پیدایش ۴: ۱-۶: ۸ توصیف شده است. به ساختار این بخش از کتاب پیدایش توجه کردیم. همچنین دیدیم که چگونه موسی در اصل

این مطلب را برای تشویق اسرائیلیانی نوشت که به دنبال او به سوی کنعان می‌رفتند. همچنین آموختیم که ما مسیحیان هم باید این بخش از تاریخ آغازین را در ایمان عهدجدیدی‌مان به کار ببریم.

وقتی به این بخش از پیدایش طوری نگاه می‌کنیم که قصد اصلی موسی برای اسرائیل بود، تبدیل به مطلبی بسیار فراتر از یک گزارش ساده از گذشته می‌شود. در عوض، می‌توانیم ببینیم که خدا با ایجاد رهایی از خشونت در جهان آغازین، و بعدها با رهانیدن اسرائیل در روزگار موسی، امید ما را هم به اینکه روزی مسیح ما را از این جهان سرشار از خشونت می‌رهاند، افزایش می‌دهد.